

بیماری عدم تعادل، در جامعه معاصر

در بخش پیش گفتیم: «عدم تعادل»، از نظر روانشناسی و اخلاق اسلامی، نوعی بیماری است و اسلام که آئین اعتدال و میانه است آنرا کوشش کرده و تمایل به چپ و راست و افراط و تفریط را موجب همراهی شمرده و راه اعتدال و صراط مستقیم را نیز نشان داده است و اکنون ادامه بحث..

مثلا عده‌ای هستند که به فرموده قرآن
 «وَيَقُولُونَ نُوْمِنُ بِبَعْضِ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ
 وَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ
 سَبِيلًا (۱)» می‌گویند: به بعضی ایمان
 داریم و بعضی دیگر را نمی‌پذیریم «کافریم»
 و چنین تصمیم دارند که در این میان، راه
 دیگری را اتخاذ کنند! از اسلام آنچه را
 که به نظر آنان انقلابی است قبول دارند
 و به آنچه که به خیال آنان انقلابی نیست،

۱- نساء ۱۵۰

سال بیست و یکم شماره ۳

انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی؟

متأسفانه موضوع افراط و تفریط و بیماری «نامتعادل بودن» به قدری گریبانگیر جامعه کنونی شده است که برخی از افراد بخود اجازه داده‌اند تا اسلام را هم با امیال و جریانهای فکری پیش ساخته خود تطبیق دهند و هر قانون و حکمی که با روش اندیشه آنان سازش نداشت، آنرا کنار بگذارند!

عبادی اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی و .. اسلام را بکنار نهاده‌اند!

مثلاً بعضی‌ها در اجرای يك حکم قضائی قاطعیت و انقلابی بودن را مورد توجه و حقوق و اخلاق، تدبیر کافی و دوراندیشی، آبرو و حیثیت افراد و زیرکی و زکاوت اسلامی، مورد بی‌اعتنائی قرار گرفته و عده‌ای دیگر در تفریط چنان پیش‌رفته‌اند که گاهی در مورد فاسد و مفسدترین و خیانت پیشه‌ترین افراد، اجرای کیفر عدل اسلامی را تعطیل نموده‌اند!

گروهی انقلابی بودن را تنها در تخریب و زدن و بستن، اهانت کردن، آبرو و شخصیت مردم را لکه دار نمودن و با کوچکترین بهانه، ترور شخصیت کردن و با کمترین قصور و تقصیر یا اختلاف سلیقه طرف را به مرگ اجباری و گوشه‌نشینی کشاندن و بطور دائم دفع کردن، می‌دانند! و جریان‌های مثبت و سازنده، عشق و محبت اسلامی، عفو و بزرگواری، جذب و جلب افراد، احترام به مال، جان و آبروی مردم، و ... برایشان غیر انقلابی است!

نقل شده است: موقمی که عده‌ای از «به اصطلاح» انقلابیون یمن جنوبی، با سرهنگ معمر قذافی رئیس جمهوری لیبی ملاقات داشتند، در مقابل این تذکر قذافی که: «برخیزیم و همگی نماز بخوانیم!» گفتند: **كَمْ رِجَالٌ ثَوْرِيُونَ: «مامردان انقلابی هستیم؟!»**

بی‌اعتنا هستند! و در واقع هویت اصیل اسلام را با درك نکرده‌اند و یانمی‌خواهند درك کنند، بعلاوه هویت انقلاب اسلامی ایران را نیز می‌خواهند نادیده بگیرند، در صورتی که بر هیچکس پوشیده نیست که: عظمت انقلاب ایران، در اسلامی بودن آن است و چنانچه این هویت را از انقلاب بگیرند: بدون تردید مانند سایر انقلاب‌های جهان، تهدید به فنا و نابودی خواهد شد و با وابسته شدن یکی از ابرقدرتها، مسخ خواهد گشت! که قرآن نیز می‌فرماید:

اَفْتَوِيْمُونَ بَعْضَ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بَعْضًا؟ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ الْاٰخِرَتِي (۱) آیا به بعض کتاب «قرآن» ایمان می‌آورید و به برخی دیگر آن، کفر می‌ورزید ۱؟ پس «بدانید که» کیفر کسی که از شما چنین باشد، چیزی جز خواری و رسوائی نخواهد بود!

اصولاً انقلاب وسیله وصول به اسلام است و همه مبارزه برای هدف اسلامی است نه اینکه اسلام وسیله انقلاب باشد. مع‌الاف پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، عده‌ای بر اثر عدم آگاهی لازم از پیش و جهان بینی اسلامی، یا به افراط و یا به تفریط گرائیده‌اند و روح الهی و جان پرور اسلام را فراموش نموده‌اند، بسیاری از احکام سیاسی، حقوقی، قضائی،

وسیلهٔ زبانی است، تا هنگامی به‌گرد دین می‌گردند که بوسیلهٔ آن زندگی مادیشان بگردد با این حساب اگر آزمایش و ابتلائی برایشان پیش آید، دین دارکم خواهد بود. اینان نیز اینچنین به تفریط مستلا شده‌اند !

* * *

الگوی اعتدال :

گاهی ممکن است ، جامعه بقدری فاسد شود و افراط و تفریط باندازه‌ای عادی و معمولی گردد که تمیز دادن حد اعتدال، کاری مشکل باشد، عبارت دیگر: گاهی ممکن است اسباب و عللی در محیط باشد و تبلیغات بعدی بقلب حقایق و واقعیات بپردازد که تشخیص بسیاری از آنها برای افراد عادی ، غیر ممکن گردد . در اینگونه جوامع چه باید کرد و تعادل و اعتدال و حد « وسطی » را چگونه باید شناخت ؟

آری کاری بس مشکل خواهد بود ولی تشخیص راه در جوامعی که مانند کشور ایران، الگو و سمبل دارند، مشکل نیست .

در اینگونه مواقع کافی است به قرآن و سنت و روش رسول اکرم (ص) و معصومین (ع) بخوبی و دقت و انصاف بنگریم، و بهمهٔ ابعاد زندگی آنان توجه کنیم، نه مانند برخی از افراطها و تفریطی-ها که برای تأیید راه خودشان تنها بیک

سال بیست و یکم شماره ۴

در مقابل انقلابیون واقعی اسلامی که حسین و اوه در مقابل رگبار گلوله دشمن در میدان نبرد و جنگ، به نماز می‌ایستند و بی‌مهابا رکوع و سجود می‌کنند و حتی مراسم عزاداری و سوگواری امام حسین (ع) را فراموش نمی‌کنند، عده‌ای دیگر چنانچه رهبر بزرگ انقلاب اسلامی توجه نمی‌کردند، چیزی نمانده بود که بسیاری از مراسم اسلامی را ضد انقلابی دانسته به تعطیل و فراموشی بکشانند ! اینان اینگونه به افراط گرائییده‌اند !

گروهی دیگر با اینکه امت و کشور اسلامی در مقابل دشمنان داخلی و خارجی قرار گرفته و تمام نیروی ابرقدرتها در مخالفت با اسلام و ایران به کار افتاده و با ایجاد جنگ ، در صدد بوج-ود آوردن جنگ داخلی هم هستند ، همچنان ساکت و آرام، همچون بیکرهای بی‌جان و مرده، خواب مرگشان گرفته و اسلام را در برخی از عبادات، مطالعه، خوردن، خوابیدن ، بخود رسیدن و احیاناً تنها به عیب‌جویی پرداختن، خلاصه کرده‌اند ! ، اسلام را وسیلهٔ زندگی مادی و منافع شخصی خود قرار می‌دهند و بفرمودهٔ سالار شهیدان :

حسین (ع) النَّاسُ عَمِيدُ الدُّنْيَا وَالِدِّينِ لَعَنَ عَلَى السُّبْتِهِمْ ، يَحُوطُونَ مَادَرَّتْ بِهِ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مَحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ . «مردم، بردگان زر و زبور و

منافع دنیائی هستند و دین برایشان، يك

حیات او را مورد نظر قرار دهیم نه فقط يك بُعدی که با جریان پیش ساخته، فکری خود ماسازش دارد.

و همچنین زندگی مولا علی (ع) را زهرای مرضیه (ع) را و فرزندان گرامیشان که همگی سبیل و الگوی انسانهای کامل هستند.

امید است با آشنائی کامل از معارف اسلام و روش معصومین (ع) از انحراف و تفریطها، درمان مانده انسانهای اسلامی سازنده باشیم.



التحصیلی نباید به جامعه تحمیل گردد. همه کارگاهها و کانون ها و مزرعه ها کلاس دانشگاه بحساب می آیند و همه جا باید سازندگی ایجاد کند و بر این اساس بخشی از عمر دانشجو در مؤسسات و کارگاهها باید بگذرد.

مراحل دانشگاهی میتواند شامل فوق دیپلم (نیمه متخصص) لیسانس (متخصص) فوق لیسانس (فوق تخصص) دکترا (محقق و صاحب نظر) باشد، لازم نیست که هر يك از مراحل فوق حتماً دو سال باشد. متناسب رشته ها و دامنه و وسعت تعالیم می تواند کم یا زیاد شود.



بُعد می نگرند.

اگر بزندگی پیامبر (ص) نگریم
از آغاز زندگی آن حضرت تا پایان عمر
شریفش را مورد دقت قرار دهیم ، امانت
او را ، استقامت او را ، ایمان او را ، شجاعت
او را ، محبت و عشق او را ، نوع دوستی
او را ، دعا های او را ، زمان جنگ او را ،
زمان صلح او را ، شبها و روزهایش را ،
قیام و قعودش را ، نماز و عبادت او را -
انبساط و سرور و لبخندهای او را ، مدیریت
او را ، وی را در خانه ، در مسجد ، در بازار ،
در میدان ، در محراب ، با خویشاوندان ، با
دوستان ، با دشمنان و بالاخره همه ابعاد

بقیه از صفحه ۵۳

شود مگر آنکه روزانه یا شبانه برگ انجام کاری را ارائه داده باشد.

تحصیلات عالی برای شکوفا کردن استعدادها و گام برداشتن پسوی تعالی و بکار گرفتن آن در اجتماع است. دانشجو حق ندارد در دوران تحصیل تنها مصرف کننده باشد. حتماً باید کاری درآمدزا و لو همیزان اندک برای خود دست و پا کند.

رسالت دانشگاه این کانون تعلیم و کارآموزی است نه برای ضایع کردن عمرها نظام ، دانشگاه تافته ای جدا بافته از اجتماع نیست و دانشی که بدرد جامعه نخورد نباید در دانشگاه تدریس شود و چنین فارغ-

مکتب اسلام